

براساس معنی مندرج در لغت نامه آکسفورد، دکوراسیون داخلی عبارت است از: «هماهنگ سازی طراحی شده برای به جلوه درآوردن رنگ‌ها، اثاثیه و سایر اشیاء در یک اتاق یا ساختمان به صورت هنرمندانه». هنگامی که خانه خود را تزئین و درباره بهترین چیدمان مبلمان منزل مان فکر می‌کنیم، نقش یک دکوراتور داخلی را بر عهده می‌گیریم.



دکوراسیون داخلی همانند سایر هنرها، دارای سبک و ریزه‌کاری‌های متفاوتی است که براساس سلیقه‌ها و نیازهای دوران، دستخوش تغییر می‌شوند. طراحی داخلی از اواسط قرن بیستم به صورت مبحثی مطرح درآمد، گرچه قدمت آن بیش از نیم قرن است. به هر حال در دنیای امروز بیشتر تجربیات زندگی افراد در فضاهای بسته و داخلی به دست می‌آید. شاید ما اوقاتی را برای تفریح و هواخوری و فرار از زندگی بسته در فضای آزاد بگذرانیم، اما همین شادی فرار از محیط بسته، نشان دهنده کثرت اوقاتی است که در اتاق‌ها سپری می‌کنیم. به همین دلیل دکوراسیون داخلی مناسب، بهترین راه حل برای بهبود وضعیت کاری، تحصیلی و زندگی‌مان می‌باشد.



علاقه انسان به تزئین و آرایش محل زندگی‌اش امری تازه نیست حتی این احتمال وجود دارد که نقاشی‌های دوران غارنشینی، سوای مسئله اطلاع‌رسانی، نقش تزئینی نیز داشته‌اند. هنگامی که در سال ۱۹۲۲، هاوارد کارتر (Howard Carter)، باستان شناس

بریتانیایی، مقبره توتنخامون (Tutankhamen) را گشود؛ نقاب طلای خالص، جواهرات ظریف و اشیاء تزئینی که در کنار جسد و در داخل مقبره قرار داده شده بود، بینشی وسیع درباره چگونگی زندگی مصریان و علاقه آنان به تزئینات و طراحی را در اختیار محققان گذاشت که به نوبه خود آغازگر جستجویی دنباله‌دار و منجر به تجلی یافتن شکوه سبک اولیه مصری شد.

حفاری‌های اولیه نشان داد که حتی بینواترین خدمتکاران مصری هم، لوازم روزمره خانه‌شان را تزئین می‌کرده‌اند، امری که براساس استانداردهای فعلی در خور توجه است اینکه مصریان هرگز به راحتی رازهای خود را برملا نمی‌کردند، به همین روی مشخص نیست که دقیقاً علاقه و انگیزه آنان برای طراحی از کجا سرچشمه گرفته است. آنچه می‌دانیم این است که سبک‌های آغازین طراحی از مصر نشأت گرفته‌اند.

رومی‌ها اساتید مسلم طراحی بوده‌اند و هنوز هم از بسیاری جهات، خصوصاً در زمینه طراحی کلاسیک، سرآمد طراحان جهانند. علاقه وافرشان به اشیاء زیبا و سبک آسایش طلبانه‌شان در آثار به جامانده کاملاً قابل ملاحظه است. آنها علاقمند بودند تا ثروت و موقعیت اجتماعی‌شان را به نمایش بگذارند و به زندگی مجلل و سبک پر زرق و برق تمایل داشتند



به دلیل موفقیت مصریان در زمینه طراحی داخلی، حتی با معیارهای نوین هم هنوز در زمره بهترین‌های این هنر محسوب می‌شوند. میزان آسایش و نقاشی‌های زیبای فضای داخلی خانه‌هایشان که به صورت نقاشی دیواری و موزائیک‌کاری کف جلوه‌نمایی می‌کرد، از شگفت‌آورترین موفقیت‌های طراحی داخلی آن زمان بوده است. آنها با تمامی آراستگی و آذینی که می‌توانستند متصور شوند مبلمان، میزهایی با پایه‌های پنجه مانند، صندلی، اثاثیه خاص و مبلمان راحتی را طراحی می‌کردند و می‌ساختند. ضیافت‌ها و شیوه زندگی مجلل مهم‌ترین بخش هستی‌شان بود و از این‌رو این امر را در آرایش خانه‌هایشان متجلی می‌ساختند.



پس از سقوط امپراطوری روم و اشاعه مسیحیت، سبک سرد و صومعه ماندی بر دکوراسیون داخلی خانه‌ها حکمفرما شد. شیوه‌های کلاسیک، آزادی طراحی، زیبایی‌دوستی و تجمل‌پرستی رومی جای خود را به تخته‌های تیره و خانه‌های بی‌تزئین دادند. با تولد دوباره آزادی‌های هنری؛ زیبایی و تزئین، مجدداً به خانه‌ها بازگشت. تعداد هنرمندان به نامی که پس از رنسانس با آنها روبرو می‌شویم، خود



گواهی بر این امر است. در ملل شرقی علاقه به دکوراسیون داخلی زیبا کاملاً آشکار است. مبلمان و تزئینات چینی، فرش‌های ایرانی، صدف‌کاری‌های ژاپنی و مجسمه‌ها و نقاش‌های پر رنگ و لعاب هندی، همه نشان دهنده علاقه این ملل به زیباسازی فضای زندگی‌شان



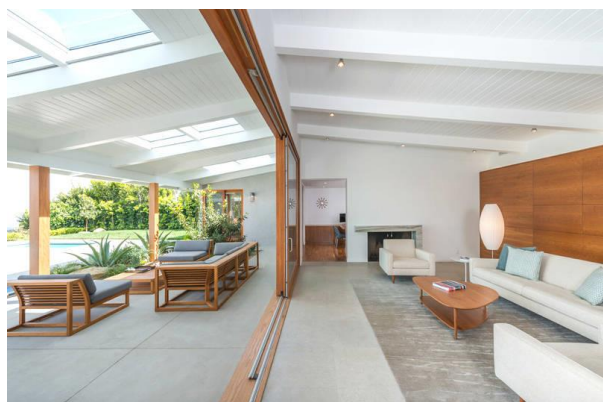
است. گرچه سبک دکوراسیون داخلی شرقی با شیوه غربی آن تفاوت‌های بسیاری دارد

بنابراین می‌توان گفت دکوراسیون داخلی (Interior Design) که به عنوان یک حرفه، یک هنر و یک صنعت در دنیا شناخته شده، بهینه‌سازی فضاهای داخلی ساختمان‌ها به منظور انجام فعالیت‌های روزمره یعنی زندگی و کار است. بخش اعظم عمر ما در فضاهای داخلی بناها سپری می‌شود. این فضاها محیطی را ایجاد می‌کنند که پاسخ‌گوی نیازهای اساسی ما نظیر نیاز به سرپناه بوده و بسیاری از فعالیت‌های ما در آن صورت می‌گیرد. همچنین آنچه به یک بنا روح می‌بخشد، فضای داخلی آن است. بنابراین می‌توان گفت کیفیت فضای داخلی از یک طرف تأثیر مستقیمی بر نحوه انجام فعالیت‌های ما در آن دارد و از طرف دیگر نگرش، احوال و شخصیت



ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بر این اساس، هدف طراحی داخلی، بهبود عملکرد فیزیکی و روانی فضا برای راحت‌سازی زندگی در آن است.

فضای معماری بدون دکوراسیون داخلی یا اصلاً قابل استفاده نیست و یا در صورت قابل استفاده بودن، کارایی لازم و بهینه را نخواهد داشت. دکوراسیون داخلی زندگی همه قشرهای جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد و یک ضرورت گریزناپذیر خواهد بود که می‌تواند به ما نشان دهد در یک فضای کوچک چطور و با چه وسایلی باید زندگی کنیم چراکه تأثیرات آن در زندگی به وضوح قابل مشاهده است. از این‌رو این موضوع به هیچ وجه محدود به اقشار مرفه و خانه‌های اعیانی نیست و می‌تواند برای کل جامعه و طبقات کم‌درآمد هم مفید باشد.

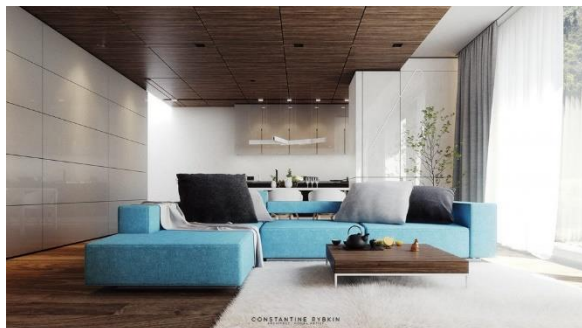


از آنجا که فضای داخلی در ارتباط مستقیم با ویژگی‌های روحی - روانی انسان قرار دارد، بایستی برای نیل به یک طرح مطلوب، ویژگی‌های رفتارهای انسانی در فضاهای داخلی زیستی اعم از عمومی و خصوصی، در طراحی به دقت مورد توجه قرار گیرد.

از این‌رو طراح به هنگام طراحی فضای داخلی با دو مقوله سروکار دارد: کاربرد آن فضا، و احساس و تأثیری که می‌خواهد آن فضا بر استفاده‌کننده داشته باشد.

طراحی داخلی طیف گوناگونی از عناصر و مؤلفه‌ها از قبیل فرم، نور، رنگ، بافت، کف، سقف، دیوار، عناصر کارکردی و تزیینی و مبلمان را در برمی‌گیرد. این عناصر ابزارهای کار طراح هستند که همگی باید بطور هماهنگ و متناسب در یک طرح مرتبط و خوشایند قرار گیرند.

و دکوراسیون داخلی که در حد واسط میان معماری و طراحی داخلی قرار می‌گیرد، به همان میزان که شامل جنبه‌های کاربردی، ساختاری و فنی می‌شود، طراحی تجسمی و جنبه‌های بصری و زیبایی‌شناسانه را نیز در بر دارد. از این‌رو اغلب در ردیف هنرهای تجسمی به حساب آمده است و برای موفقیت در آن، بایستی تا حد نسبتاً زیادی با عناصر و اصول طراحی تجسمی و مبادی سواد بصری آشنا بود.



اگرچه طراحی و دکوراسیون داخلی امروزه به عنوان یک تخصص شناخته می‌شود و محدوده بسیار وسیعی را در بر می‌گیرد، اما از آنجایی که این رشته در ارتباط مستقیم با فضای داخلی خانه و زندگی روزمره می‌باشد، شناخت الفبای دکوراسیون داخلی و تبیین مبانی آن به زبان ساده برای عموم مردم ، به قابل فهم کردن آن و برخوردی علمی با این پدیده خواهد انجامید و در نهایت تأثیری عمیق بر کیفیت فضاهای زیستی جامعه ما خواهد داشت.



گرافیک محیطی

هانطور که گفته شد این رشته مجموعه دانش " فن و هنری است که با عناصر متعلقه و مرتبطش از قبیل فرم رنگ بافت و سعی در بهینه سازی فضاها و دست یابی به کارائی و کار کرد مناسب در کنار زیبایی " معانی و معناها میباشد. طراحی داخلی با ایجاد مجموعه ای از بایدها و نبایدها "کثرت ها و کاستی ها" و قرار دادن فرم در برابر فرم و فضا " طبیعت در برابر هندسه (معماری ارگانیک) " داخل در برابر خارج و همچنین قدرت و منطق مردانه از یک سو و احساسات زنانه از سوی دیگر (که در اوج وجود به تفاهم رسیده اند) می کوشد ارتباط معنائی و فرمال (fomal) را مفهوم بخشد. در واقع طراحی داخلی به وسیله این ترکیب می خواهد به اهداف مورد نظر خود در طراحی فضا دست یابد.

در طراحی داخلی با ایجاد ضرب و اهنگ در هندسه می توان احساسات انسانی را بیدار ساخت در تمامی ابعاد نفوذ کرد و حرکتیهای غیر از حرکتیهای عمودی و افقی ایجاد کرد.



مجموعه ای از اشکال هندسی، که به صورت مجرد و بی هیچ واسطه ای در فضایی دو بعدی تعیین یافته اند. تناسبات، ابعاد، غلظت، توانالیه رنگ های استفاده شده و تحریکات حسی موجود در هر اثر، بیانگر هماهنگی دقیق در اجزاء است. انسان به واسطه گرافیک محیطی در کنار طراحی داخلی با محیط پیرامون خود سخن می گوید، و با دیگران ارتباط برقرار می کند. طراحی داخلی در ایجاد فضایی مطلوب و دلنشین برای افراد جامعه نقش موثر دارد. محیط مناسب یعنی فضایی که بشر در آن بتواند فارغ از فشارهای ناخواسته روانی رشد کرده و شکوفا شود و این از خواسته های عقلانی و منطقی هر جامعه است. گرافیک " محیط زیبایی بصری و نظم و



هماهنگی مطلوب فضا است. مقصود از تمام طرح های گرافیکی برای محیط داخلی و خارجی - ایجاد فضایی برای زندگی پر نشاط و سالم و قانع کننده است. مشخص کردن یک مکان از مکانی دیگر، زیبا سازی، نظم و انسجام بخشیدن به فضا و گسترش حیطه فعالیت طراحی داخلی، از اهداف گرافیک محیطی به شمار می رود.

فضا و معماری

فضا چیزی است سه بعدی و طبیعتاً شکل آن نیز سه بعدی است. فضای داخلی معماری فضایی است ساخته شده به دست بشر که ابتدا وظیفه پناه دادن به انسان در مقابل عوامل طبیعی را دارد به این معنی که قسمتی از فضای محیط به گونه ای محدود می شود که به واسطه آن فضای داخلی پدید می آید فضا از طریق عناصر محدود کننده آن قابل شناسایی است و شخصیت آن تابع چگونگی

و نظم حاکم بین این عناصر است.



عناصر محدود کننده فضا: کف-سقف-و دیوار است.

نکته: ایجاد اختلاف ارتفاع در کف و سقف باعث می شود فضا به عرصه های مختلف تقسیم شود.

فضای معماری با سه بعد طول عرض و ارتفاع سرو کار دارد ضمن این که معماری بعد چهارمی هم دارد که فضای داخلی می نامیم. در واقع معماری داخلی دکوراسیون داخلی و طراحی داخلی در کلمه داخلی مشترک هستند و این بعد چهارم معماری است.



در دنیای امروز که مقادیر روز افزون و قابل توجهی خبر و پیام در سطح جهان از راههایی به غیر از زبان و گفتار به صورت تصویر (عکس، فیلم و علایم گرافیکی) نقل و پراکنده می شود، آموختن اصول و عناصر اولیه ی بصری را به امری واجب تبدیل می نماید. به این ترتیب، درست دیدن و درست استفاده کردن از تصویر و پیامهای بصری به طور کلی، فنی است که باید قدم به قدم فراگرفته شود – البته به ضرورت این فراگیری منجر به تبدیل انسان به یک هنرمند نمی شود ولی با این وصف، لزوم آن در زمان حاضر روز به روز برای عده ی بیشتری مطرح می شود.

نکات مهمی که می توان آنها را نکات برجسته ی دستور زبان بصری نامید عبارتند از:

عناصر اولیه بصری (نقطه، خط، شکل، رنگ، نور و...) که الفبای هنر به شمار می روند.

عوامل بصری ترکیب بندی یا کمپوزیسیون شیوه های ایجاد پیام بصری (ریتم-تعادل-تاکید-حرکت و...) که همان دستور زبان بصری هستند

و در آخر، فنون یا تکنیکهای بصری و شناخت سبک های گوناگون

برای انجام کار هنری نیاز به

۱-سواد بصری

۲-سواد فنی

۳-سواد اجرایی داریم.

نقطه

ساده ترین و تجزیه ناپذیر ترین عنصر در ارتباط بصری است. نقطه مبدا پیدایش فرم می باشد. وجود یک نقطه، مبین مکانی در فضا است. کوچک و بزرگ بودن یک نقطه، بسته به اینکه در چه فضایی قرار گرفته ارزیابی می شود. نقطه ممکن است در سطح مطرح شود یا بصورت حجم و سه بعدی در فضا وجود داشته باشد به معنی تمرکز می باشد هرچیزی که ما را متمرکز کند. مثال: در یک معماری داخلی سفید رنگ یک مبل قرمز نقطه به شمار می رود.



نقطه همچنین کوچکترین نمود بصری یک عنصر تصویری است (یک نقطه در الفبا، یک برگ در فضا، یک گوی در آسمان، یک لکه روی دیوار، یک گل سرخ در فاصله ی کافی، یک ردپا بر روی برف، یک چراغ روشن در شهر و...) نقطه ، هرکجا که باشد خواه به صورت طبیعی یا مصنوع دست انسان، چشم را شدیداً به خود جلب می کند. در نتیجه، نقطه به منزله ی یک عنصر تصویری قوی می تواند برای نشان دادن مفهوم "تأکید" مورد استفاده قرار گیرد.

خط:

دومین عنصر بصری است که از نزدیک شدن تعداد نقاط پدید می آید به طوری که دیگر نقطه ها قابل تشخیص نباشند. می توان

گفت **خط، نقطه در حال حرکت است.** خط فقط دارای واقعیت طولی می باشد و

فاقد عمق و عرض است.

بر خلاف نقطه که عنصری متمرکز و ثابت به شمار می رود، خط دارای انرژی فعال و

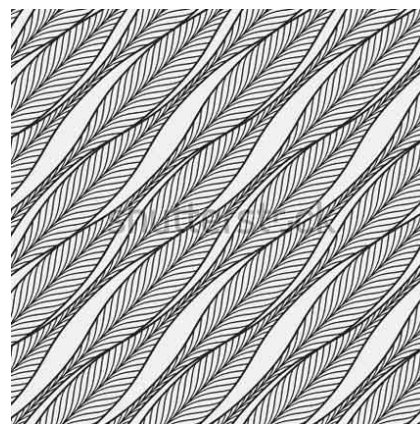
متحرک است. خطوط در یک تصویر ممکن است به صورت شکسته، منحنی، صاف،

دندانه دار، موج، پهن و ضخیم و... باشند که هرکدام القاء تصویری خاص و معنا و

مفهوم خود را دارند.

قوه ی بینایی انسان نسبت به تاثیر روانی خط و ارزش های هنری آن در یک قاب،

حساسیت به خرج می دهد.



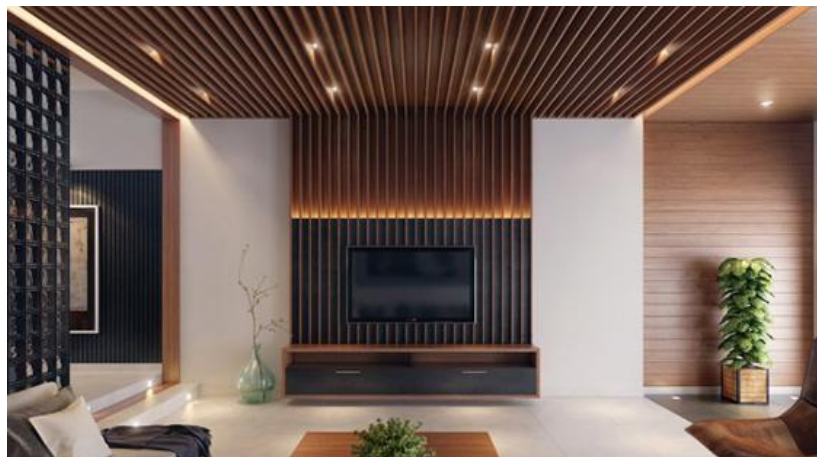
خط افقی: خاصیت این خط آرامش - تعادل - سکون - وسعت و گستردگی می باشد. بیشتر القای حالت غیر فعال، بی حرکت و خوابیده را دارد.

نکته: خطوط افقی فضا را عریض نشان میدهند.

مثال: اگر جهت پارکت عمود بر عرض باشد اتاق عریض به نظر می آید.

این خط در فضای داخلی برای فضاسازی نشیمن خصوصی، اتاق خواب و آشپزخانه مورد استفاده قرار می گیرد.

قرار گیری تابلوهای افقی یا القا کننده خط افقی باعث بزرگتر به نظر رسیدن اندازه طول دیوار می شود.



خط عمودی: خاصیت این خط استواری- ایستایی -شکوه-عظمت- نیرومندی استحکام - تعادل و توازن می باشد.

این خط بر ارتفاع تاکید دارد و استفاده زیاد از آن در دکوراسیون داخلی می تواند باعث ایجاد حس ترس و عدم آرامش گردد. این خط در دکوراسون داخلی در مبلمان فضای پذیرایی- در پرده ها- لوسترها- تابلوهای عمودی این فضا و در فضاسازی معماری در ستون نمای ساختمان-ارتفاع بلند سالنها - لابیها-و ورودی های ساختمان که نقش دعوت کنندگی دارند و باید عظمت و ابهت در آنها به وضوح دیده شود مورد استفاده



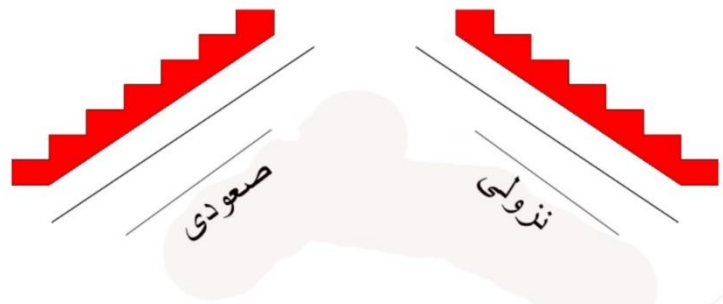
قرار می گیرد.

خط مورب: القا ناپایداری را دارد، نامتعادل و متحرک

این خط به دلیل ایجاد حس ترس و ذاتا به دلیل ایجاد فرمهای نامتعارف در فضاهای داخلی به عنوان المان دکوراسیون کمتر مورد استفاده قرار میگیرد. می توان از این فرم در طراحی راه پله سقف کاذب یا پایه میزهایی با طراحی های خاص و چراغهای تزئینی بهره گرفت.

این خط در طراحی فضاهای تجاری و نمایشگاهی بسیار مورد توجه قرار میگیرند و میتوانند فرمهای منحصر به فردی را ایجاد کنند.

خط مورب بر دو نوع است صعودی و نزولی





خط منحنی: این خطوط بیشتر نرمش و ملایمت را القا می کنند. و دارای حرکتی روان و لغزنده هستند. خطوط منحنی در فضاهای داخلی به صورت مکمل در کنار خطهای خطوط افقی و عمودی قرار میگیرند و در تمامی فضاها کاربرد دارند. که البته سبک موردنظر در طراحی فضای داخلی در این انتخاب بی تاثیر نیست .



صفحه

صفحه: اگر خطی در راستایی غیر از امتدادش جابه جا شود صفحه به وجود می آید. و بر دو نوع است: مجازی و عینی.

صفحه عینی مانند دیوار

صفحه مجازی مانند بازو

صفحه در معماری غیر قابل اعتماد است زیرا به پرسپکتیو می رود.



سطح

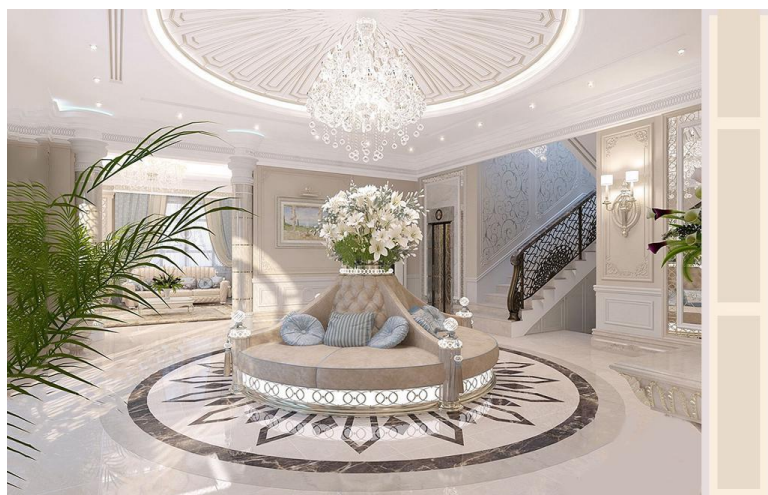
شکل (سطح): به خط پیرامونی و دور ظاهری یک سطح یا حجم شکل گفته می شود.

در واقع چیزی که دیده می شود سطح نام دارد.

سطح ها به سه دسته تقسیم بندی می شوند: سطوح یا اشکال هندسی- سطوح یا اشکال طبیعی- سطوح یا اشکال آبستره



اشکال هندسی: مربع - دایره - مثلث سه شکل هندسی اصلی می باشند.



دایره:

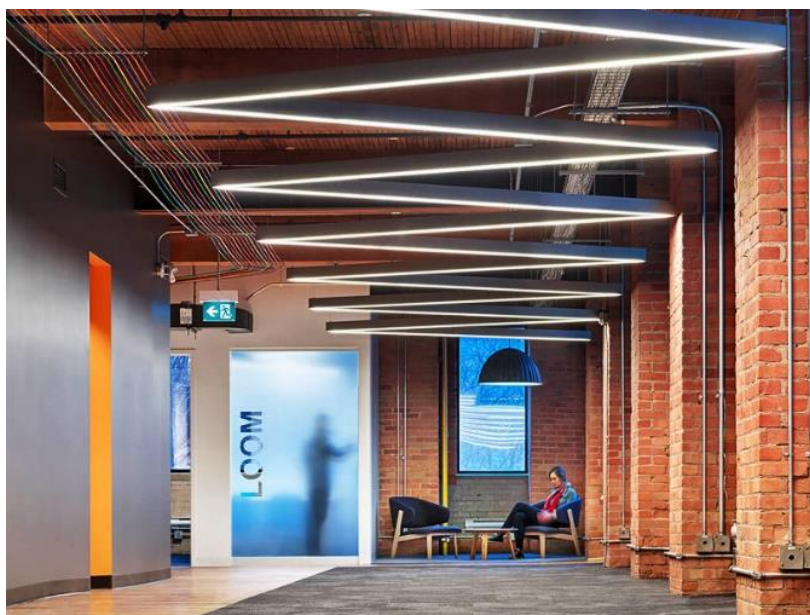
دایره القای بی انتهایی، گرما و محفوظ بودن را دارد. و در کل به خاطر شکل دورانی اش، نوعی تحرک و تداوم را القا می کند و علاوه بر این دارای حس خلوص-حرکت-وحدت می باشد.

نکته: دایره استفاده بهینه از فرم و اقتصادی است.

مثلث

مثلث حس ثبات-سکون-هیجان-خشونت-تحرک القا می کند.

مثلثی که قاعده اش پایین باشد، دارای استحکام و شکلی پایدار است. و برعکس، هرگاه بر یکی از رئوس خود بایستد، حالت ناپایدار و تزلزل به خود می گیرد این نوع از مثلث شکلی به شدت متحرک می باشد. مثلث، فعالیت، جدال و انقباض را تداعی میکند. لازم به ذکر است که این شکل هندسی عموماً در فرم های سازه ای و پوشش ساختمان به کار می رود زیرا بدون تخریب اعضای آن شکل آن تغییر نمی کند.



مربع:

مربع عقلانیت-قانونمندی-وضوح-خلوص-منطق-نمایشگر جهت افقی و عمودی-واضح ترین فرم بصری

به این دلیل که از جهت یک ضلع روی زمین قرار می گیرد مستحکم و ایستاست، به مربع حالت بی حرکتی، صداقت و صراحت نسبت داده شده است.

مربع به عنوان فرم پایه در مبلمان و تزیینات نیز استفاده می شود.



اشکال آبستره ((انتزاعی-آبستره))

اشکالی که نه هندسی مطلق هستند و نه ارگانیک.مثال:علائم گرافیکی-آرم ها.

اشکال ارگانیک:



شکل های طبیعی می باشند.مانند برگ درخت.

حجم

اگر یک صفحه در جهتی غیر از امتدادش جا به جا شود حجم به وجود می آید. حجم یک عنصر تصویری است که دارای سه بعد طول، عرض و عمق می باشد. حجم، سطحی است که در فضا حرکت نموده و از جهت سطح خود در عمق گسترش یافته است. یک حجم ممکن است دارای نظم هندسی باشد یا از فرم نامنظم تشکیل شده باشد. احجام مشخصات سطوح تشکیل دهنده خود را دارند

حجم های منظم از توسعه و بسط سطوح اصلی مثلث، مربع و دایره تشکیل شده اند مانند مکعب، مخروط و کره. و حجم های نامنظم از سطوح نامشخص بوجود آمده اند مثل صخره و قطعه سنگ و...

شکل وابسته به سطح است و فرم وابسته به حجم است.

حجم تو پُر دارای واقعیت بیرونی است و حجم تو خالی دارای واقعیت درونی و بیرونی



عوامل و انرژی های بصری

ریتم-تعالل-تاکید-حرکت

ریتم و انواع ریتم آن ریتم تکراری و یکنواخت، ریتم متناوب، ریتم موجی، ریتم تکاملی

- ریتم تکراری و یکنواخت: در این ریتم یک شکل یا نقش مایه بدون هیچ تکراری در فواصل مساوی تکرار می شود که برای مخاطب هیچ نوع حسی به غیر از کسالت ایجاد نمی کند. مثل ردیف حجره ها در بازار یا پنجره های تکرار شده روی نمای ساختمانها



- ریتم متناوب: هنرمند در این ریتم در تکرار های منظم نقش مایه را تغییر داده و از یک نقش مایه متفاوت استفاده می کند که در مخاطب حس انتظار به وجود می آورد. مثال: در این نما در فاصله هر سه پنجره یک پنجره بزرگ قرار دارد.

- **ریتم موجی:** ناشی از تکرارهای موجی می باشد مثل گنبد خانه های اقلیم گرم و خشک



- **ریتم تکاملی:** هر تکرار با تکرار قبلی کمی متفاوت می باشد و در راستای رسیدن به وحدت است مثل کامل شدن هلال ماه تا قرص ماه.

تعادل

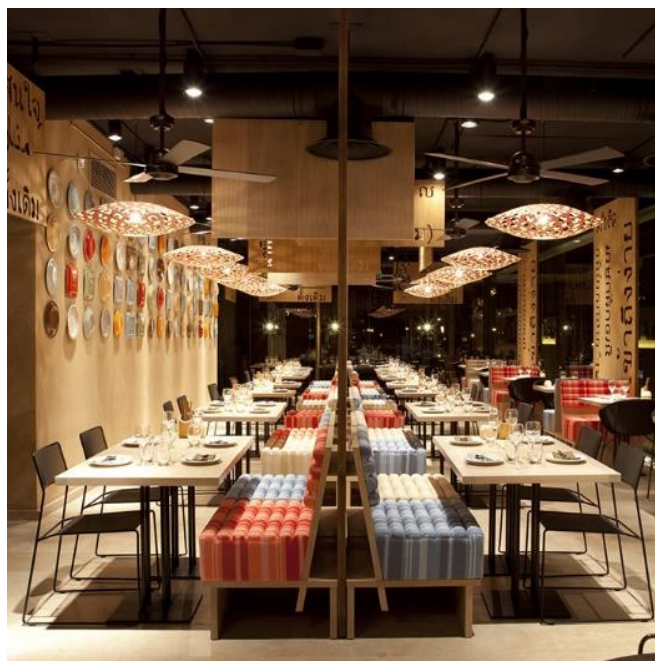
قرار گرفتن هر عنصر در جای شایسته و مناسب خود و ارتباط صحیح با محیط اطراف .

انواع تعادل: تعادل متقارن

تعادل نامتقارن (توازن)

تعادل شعاعی

تعادل متقارن: زمانی که عناصر تکرار شوند یا نسبت به یک محور مثل آینه در دو طرف آن قرار گیرند، تعادل به صورت متقارن حاصل می شود. این نوع از تعادل در طبیعت بسیار یافت می شود، مثلاً بدن خود ما. تقارن در طراحی داخلی متداول است و ایجاد احساس آرامش و ثبات می کند، اما همچنین گاهی موجب یکنواختی و بی روح شدن فضا می گردد. با استفاده از بافت، رنگ ، چیدمان لوازم و ائاثیه و مبلمان می توان تقارن را برقرار کرد.



تعادل نامتقارن (توازن): این نوع از تعادل رابطه زیادی با وزن بصری عناصر دارد. در واقع به جای تکرار عناصر در فضا برای ایجاد



تعادل، از عناصر مختلف با وزن بصری یکسان برای ایجاد تعادل استفاده می شود. همانطور که پیش تر بیان شد اشکال پیچیده تر سنگین تر به نظر می رسند و به همین خاطر است که از آنها برای ایجاد تعادل نامتقارن استفاده می گردد. فضاهایی که به صورت نامتقارن طراحی شده اند دارای پویایی و حرکت بیشتری هستند چرا که عناصر متنوعی در ترکیب با هم به تعادل رسیده اند. رسیدن به چنین تعادلی در فضا خیلی هم ساده نیست و نیاز به دید معمارانه دارد.



تعادل شعاعی: همانطور که از نامش پیداست، این نوع تعادل با دایره سر و کار دارد. و به این صورت است که عناصر حول یک نقطه مرکزی قرار می گیرند و در امتداد شعاع دایره جلوتر یا عقب تر می روند. مثال چنین تعادلی در طراحی داخلی تعدادی صندلی است که حول یک میز دایره شکل قرار گرفته اند، یا ساختار یک چراغ دایره شکل. اگر می خواهید روی عنصری در مرکز تأکید کنید این نوع تعادل بسیار مناسب است چرا که توجه را به سمت نقطه مرکزی در داخل جلب می کند.



تأکید: ایجاد توجه کردن، به کمک کنتراست-تجمع-تغییر رنگ-تغییر اندازه و....



حرکت: به وسیله پرسپکتیو-ریتم-و ایجاد عمق



کمپوزیسیون ((ترکیب بندی))

در هنرهای گوناگون به معنای تنظیم جایگاه اجزای اثر است که هنرمند برای ایجاد وحدت و تناسب بین بخش های مختلف اثر خود به کار می برد.

در معماری داخلی تمام عناصر کاربردی و دکوراسیونی و کاربردی - دکوراسیونی با هم دیده شوند و صرف زیبایی هر کدام به طور مجزا استفاده نشوند. در واقع کمپوزیسیون باید در معماری داخلی رعایت شود. کمپوزیسیون باعث تعادل - تناسب - وحدت - همخوانی - خوانایی می شود.



Gestalt theory گشتالت

کلمه گشتالت در واقع به مفهوم یک کل وحدت یافته یا معنی دار است .

رابطه عناصر و اجزا اولیه با کل اثر یا کل وحدت یافته بر اساس تئوری گشتالت قابل توضیح است.

گشتالت معتقد است ما با کل کار داریم نه اجزا

۶ قانون اصلی گشتالت:

۳- قانون همسان

۲- قانون بستن

1- قانون بارداری

۶- قانون تداوم

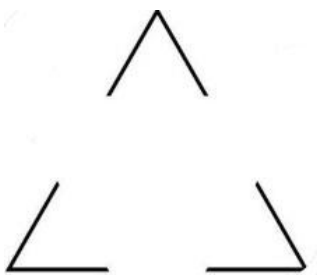
۵- قانون قرینگی

۴- قانون نزدیکی

قانون بارداری: انسان ها یک پدیده را می بینند دنبال پیدا کردن تصویری از آن هستند تا آن را تبدیل به چیزی کنند که می شناسند.

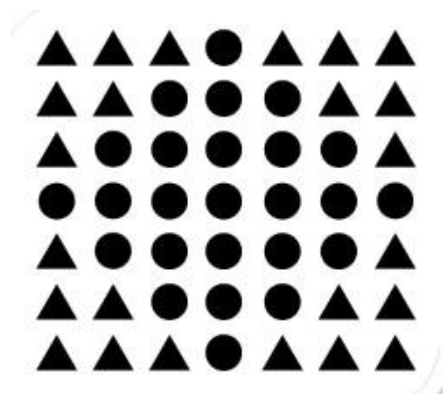


قانون بستن: تمایل به تکمیل چشم انسان تمایل به کامل کردن دارد.



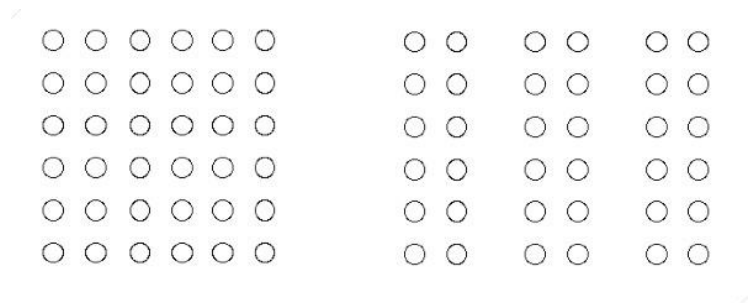
قانون همسانی:

تمایل به هم گروه نمودن عناصر شبیه به هم.

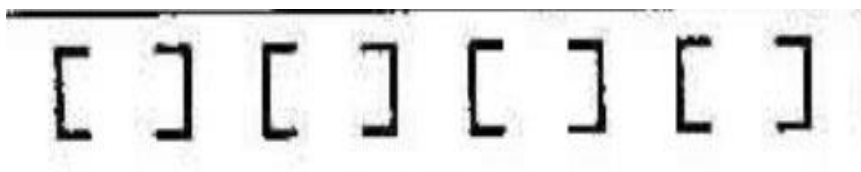


قانون نزدیکی: عناصر نزدیک به هم به گونه ای دیده

می شوند که گویی به یکدیگر تعلق دارند.



قانون قرینگی: تمایل به جفت کردن عناصر قرینه



قانون تداوم: تمایل به یکسره دیدن امتدادها

